سحرگاه امروز در زندان اوین بحکم دادگاه انقلاب مرکز :

رهبر و ۵ عضو گروه فرقان اعدام شدند

۶ تن از اعضای گروه‌فرقان سحرگاه امروز به حکم دادگاه انقلاب اسلامی مرکز به جوخه اعدام سپرده و اعدام شدند .

در رابطه با اعدام شش‌عضو گروه فرقان ، اطلاعیه زیر از سوی دادگاه انقلاب اسلامی مرکز صادر شد .

بسم‌الله قاسم الجبارین

شش نفر از بنیان گذاران و کادر رهبری ، گروهک تروریستی و ضد اسلامی فرقان که در طرح پیشنهاد و تصویب ترور های شخصیت‌هائی چون استاد شهید مطهری ، شهید حجت‌الاسلام دکتر مفتح ودو پاسدارش شهید بهمنی و شهید نعمتی و شهید مجاهد حاج مهدی عراقی و پسرش شهید حسام عراقی و شهید تیمسار ولی‌الله قرنی و طرح سرقت های مسلحانه‌متعددی ازبانکها، نقش درجه‌یک را داشته‌اند و در به انحراف بردن نوجوانان یا جوانان و بدعت گذاری در دین ، با پوششی از قرآن و نهج‌البلاغه به نام اسلام‌مهلک‌ترین ضربات را بر پیکراسلام و جامعه زدند ، در دادگاه انقلاب اسلامی ایران محاکمه شدند .

دادگاه پس از شورونشت، آنها را مفسدفی‌الارض‌ومحارب با خداو رسول خدا شناخت و بااعدام محکوم کرد .

حکم صادره در سحرگاه روز شنبه ۵۹/۳/۳ در مورد آقایان «اکبر گودرزی» علی خاتمی ، عباس عسگری ،حسن اقرلو ، سعید مرآت، علیرضا شابابابیگ تبریزی ، به اجرا گذارده شد .

دادگاه انقلاب اسلامی‌مرکز

صحنه‌ای از دادگاه محاکمه سه‌تن از متهمان آشوب‌های تبریز ــ دوتن از متهمان بـه حکم دادگاه به اعدام محکوم‌و تیرباران شدند .

بحکم دادگاه انقلاب اسلامی ،

دونفر از آشوبگران تبریز تیرباران شدند

تبریز ــ خبرنگار کیهان ــ دادگاه انقلاب اسلامی تبریـز پس از چهار جلسه رسیدگـی به‌پرونده سه‌تن از متهمان به آشوب‌های تبریز، دونفـر از آنان را به‌اعدام محکوم‌کردکه حکم صـادره ساعت ۴/۳۰ پنجشنبه به مرحله اجرا درآمد. متهم سوم این پرونده به‌ده‌سال زندان محکوم شد

محمدرضا ایرانی روحانی و سرپرست کمیته منطقه ۲ تبریز و ابوالقاسم رستمخانی اداره کننده رادیـو تلویزیـون در روزهای اشغال که به اعدام محکوم شدند ، به‌گفته رئیس دادگاه باتهامات متعدد رهبری یک آشوب بزرگ در تبریز را به‌عهده داشتند که از طـرف حزب منحله خلق مسلمان برپا شده‌بود. محکـومین همچنین به‌تصرف غیرقانونی بعضـی از اماکن شهر و اقدامات‌تخریبی، اقدام و توطئه علیه حکـومت جمهوری اسلامی و توهین به رهبر انقلاب متهم بودند.

متهم ردیف اول محمدرضـا ایرانی اولین روحانی است‌که بعد از انقلاب در تبریز بـه جوخه اعـدام سپرده شد و محکوم ردیف دوم ابـوالقاسم رستمخانـی مسئول آرشیو و روابط عمومی و مدیـر جلسات حزب منحله خلـق مسلمان و گرداننده رادیو تلویزیون‌مرکز تبریز ، هنگام اشغال بود کـه تیرباران شد. متهم ردیف‌سوم این پرونده حاج علی‌اکبرستار حقیقی، یکی دیگر از عوامـل فعال حزب خلق‌مسلمان درتبریز است که به ۱۰ سال زنـدان محکوم شد.

با مرگ این سه تن بتعداد محکومین بمرگ افرادی‌کـه در رابطه با آشوبهای اخیـر تبریز که از طرف حزب‌منحله خلق مسلمان ایجاد شده بود به ۱۷ نفر رسید که ۴ تن ازآنها از پرسنل نیروی هوائی تبریز بودند .

در دومیـن روز محاکمه متهمان این پرونده ، پس از قرائت متن کیفرخواست متهم ردیف دوم ابوالقاسم‌رستمخانی نامبرده بدفاع از خودپرداخت و گفت : خوشبختم از اینکه در یک دادگاه اسلامی محاکمه میشوم و من ازاینکه متهم‌هستم باید از کیفرخواست دفاع‌نمایم در معرفی خود بگویم‌ازآنهائی نیستم که بعداز صبح مسلمان شده‌ام .

رئیس دادگاه : شما چـرا و بدستور چه‌کسی برای اداره رادیو تلویزیون بتبریز آمدید اگر یادتان باشد قبلا بمن گفته‌اید کـه آقـای حسن شریعتمداری شما را به تبریز اعزام داشته‌اند.

متهم : در جلسه‌ای کـه باحضور چندین تن از اعضای شورای انقـلاب در منـزل آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری ترتیب یافت ، قراربراین شد که برای آرام کردن اوضـاع تبریز و برای اینکه اشغال‌کنندگان محلهای اشغال شده را تحویل دهند آقای هجرانی بعنوان مسئول رادیو تبریـز ، به‌تبریز آمد و من نیز بخاطر فراهم نمودن زمینه مساعدبرای تحویل محلهای اشغال شده به هیئت مختلط اعزامـی شورای انقـلاب و آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری به تبریز آمدم.

سپس رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز اظهار داشت: ما طبـق نقشه قبلی یکـی از دستگاههای رادیو را از کار انداخته بودیم واشغال‌کنندگان که نمی‌توانستند برنامه هـای ضدانقلابی خود را از رادیـو پخش‌وادامه دهند دست بدامن رادیو بناب برده و از آنهـا میخواستند که برنامه‌شان را رادیـو پخش نماید. رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریـز در خاتمه گفت: موقعیکه‌رادیو تلویزیون اشغال شده را مردم آگاه تبریز از اختیار اشرار بیرون آوردند ، آقای حسن شریعتمداری از قم تلفن کرده بودند که چه خبر است؟ ویکی از افراد مـا بایشان صحبت کرده بود و گفته بود کـه رادیو تلویزیون در اختیار ما هست وآقای حسن‌شریعتمداری که فکر کرده بود رادیـو تلویزیون بازهـم در اختیار اشرار است گفته بود کـه مقـاومت کنید پیشمرگـان عزالدین حسینی از کردستان بکمک شما خواهند آمد.

متهم ردیف دوم در جواب پرسش رئیس دادگاه که چرا از قول مردم هنگام تصـرف رادیو تلویزیون حرف هـای تحریک‌آمیزی زده‌اید که‌نوارش موجود است اظهار داشت من خود نگفته‌ام بلکه آن سه نفر از مسئولین روزنامـه خلـق مسلمان که همراه من بودند دیکته کرده‌اند و من‌خوانده‌ام.

رئیس دادگاه پرسید : شما روز دوم محاکمه گفتید کـه ما بخاطر آرام کردن زمینـه برای تحویل رادیو تلویزیون به هیات حسن‌نیت اعزامی از طرف شورای‌انقلاب‌و آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری به تبریز آمده‌اید چرا در سخنرانی‌خود از رادیو اعلام داشته‌ای کـه مابه‌همراه خلق دلیرآذربایجان تا گرفتن خواسته‌های‌مرحله‌ای خود از این مرکز بیرون‌نرفته و اینجا را رها نخواهیم کرد. شما که میگوئید برای‌مذاکره با مردم به‌تبریز آمده بودید آیا منظور از مـردم تبریـز عزالدین حسینی بود و شما از رادیو بعداز تماس بـا ایشان واعلام پشتیبانی ایشان ازحزب خلق مسلمان را اعلام داشتید گفتید که رژیم کنونی باکشتار خلق کردشکست‌خورده، واکنون سعی در کشتار خلق آذربایجان دارد.

مراد از خلق آذربایجان کیست؟

متهم گفت: من مسئول‌نیستم آنها نوشته‌اند و من‌خوانده‌ام. رئیس دادگاه پرسید آیا مراد از تماس با خلق آذربایجان خواندن اعلامیه حسن نـزیـه ملعون وابسته به آمریکا از رادیو تبریز است و شما برای خواندن گفته‌های ایشان کـه رهبر انقلاب را دیکتاتوری جدید ارتجاعی توصیف کرده بود به‌تبریز آمده‌بودید ؟

متهم پاسخ گفت : ما برای زمینه‌سازی محیط قرار گذاشتیم جلسه‌ای در منـزل آیت‌الله حکم‌آبـادی تـرتیب داده و چگونگـی اداره رادیـو تلویزیون و مقدمات لازم‌برای تحویل به هیات اعزامـی را مطرح سازیم. رئیس دادگـاه خطاب به متهم اظهار داشت : شما که از رادیو نمایندگـان دولت مرکزی یعنی مسئولین این شهر را باصطلاح مسئول غیرمسئول خوانده‌اید اگر حرف حقی است برعهـده بگیرید و اگر حرف باطلی است کسی‌که خوانده خود باطل است واین را اضافه کنم کسی کـه در دفترچه خود باتمام احـزاب و گروهها سروکار داشته باشد و مسئـول آرشیو و روابـط عمومی و مدیر جلسات حزب منحله خلق مسلمان ایران باشد هیچ موقع ناآگاه نمیشود.

متهم جواب داد : اگـر کار ناآگاهـی کرده‌ام مسلما اغفـال شده‌ام و طلب استغفار مینمایم.

رئیس دادگاه سپس گفت: کسانیکه از اسلام می‌ترسیدند با کلمه دموکراتیك میخواستند اسلام را کنار بگذارند. متهم در پاسخ اظهار داشت : من ناقل سخنان آقای نخست‌وزیر و دیگر سیاستمداران وقت بودم. رئیس دادگـاه گفت : آقای مهندس بازرگان زنـده است ایشان معصـوم نیستند

متهم در جواب گفت: مـن خودم به جمهوری اسلامی‌رای مثبت دادم و در روزنـامـه‌ها بانوشته‌هایم این جمهوری را تائید کرده‌ام و منظـورم از رهبران حاکم در دولت ایام نیست.

رئیس دادگاه پرسید : آیا غیر از امـام کسی بردولت رهبری میکرد؟ متهم پاسخ‌داد: من رهبر نگفته‌ام رهبران‌گفته‌ام و چون نویسنده این نامه بنده هستم انکار نمیکنم و خـود آقای بازرگان نخست وزیـر وقت از بعضی مسائل شکایت میکرد

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز آنگاه چند بیتی از شعر متهم ردیف دوم ابوالقاسم رستمخانی‌راتحت عنوان صبحگاه آزادی و (هنوز این اول عشق است) را مبنی بر طرفداری از آشوب کردستان و دربند شدن مجاهد و اسیر شدن فدائی در دست دیو استبداد و حجاب اجباری برای زنان را برای حاضرین خواند و اظهار داشت: اینها طرفداران همان کسانی هستند که در پاوه پاسداران غیور ما را سر بریدند .

متهم در جواب اشعار خود گفت : شعر من انتقاد ازدولت آقای بازرگان بود که انقلاب را به انحراف کشانید ،

رئیس دادگاه در رابطه با این‌گفته های متهم اظهارداشت: من ازآقای بازرگان بدین‌خاطر گله‌مند هستم که‌چرا درکردستان آزادی عمل بیشتر به پیروان خط امام در جلوگیری از توطئه‌های ضد انقلاب ندادند و اگر در برابر دشمن قاطعیت بخرج میدادند اکنون اینهمه گرفتاری نداشتیم من در حوادث اخیر تبریز وقتـی شنیدم مهنـدس بازرگان برای‌گفتگو باآشوب‌گران به تبریز می‌آیند ناراحت شدم و به تهران تلفن کردم‌که اگر ایشان بیایند من لحظه‌ای در تبریز نخواهم ماند وقول دادم که تبریز را آرام کنم و درصورت آمدن آقای بازرگان به تبریز وضع شلوغتر میشد . واگر مادر تبریز قاطعیت‌بخرج نمیدادیم بعلت وجود موقعیت حساس جغرافیایی اینجا از کردستان بیشتر شلوغ شده و صدمه‌اش بهانقلاب‌بزیادتر میشد.

آنگاه دادیاردادستان انقلاب اسلامی ایران کیفرخواست‌متهم ردیف سوم حاج علی اکبر ستار حقیقی‌را بشرح زیر قرائت‌کرد.

علی اکبر ستار حقیقی متهم ردیف سوم فرزند حسین اهل و ساکن تبریز لباس فروش ، مسلمان، دارای عیال و اولاد، متهم است به :

۱ ــ اقدام‌علیه‌دولت‌جمهوری اسلامی ایران و فعالیت موثر و مستمر در حزب منحله خلق مسلمان .

۲ ــ دستور شکنجه و ضرب وجرح‌وارد آوردن بدستگیر شدگان درحزب‌هنگام بازجوئی بطوریکه درمورد عده‌ای ازآنها اعمال شکنجه منجر به شکستگی استخوانهای قسمتهای مختلف بدن آنها شده است .

۳ ــ شرکت و فعالیت موثر در اشغال غیر قانونی رادیو تلویزیون توسط حزب منحلـه خلق مسلمان و مصاحبه بـا خبرنگاران خارجی در رادیـو تلویزیون‌برعلیه جمهوری‌اسلامی ایران .

۴ ــ توهین به مقام رهبریت انقلاب و ناسزا گفتن بدستگیر شدگان در حزب ،

دلایل اتهامات فوق بشرح زیر است :

شکایات و شهادات شکات و شاهدین عینی که توسط حزب مذکور دستگیر و زندانی شده بوده‌اند همچنین سایر ادله و قرائن موجود در پرونده را از میزان مجازات شرعی متهم را از دادگاه عدل انقلاب درحدود وموازین شرع مقدس خواهانم.

رئیس‌دادگاه‌سپس ازشاکیان و شاهدان متهم ردیف اول و سوم‌خواست کهشکایات وشهادات خود را مطرح سازند .

ابتدا حجت‌الاسلام بنائی در رابطه با سوء قصد افراد حزب خلق مسلمان به ایشان شکایات خود را علیه متهم مطرح‌ساخت، و سپس یکی از پاسداران‌که توسط حزب‌خلق مسلمان‌گروگان گرفته شده بودند در رابطه با شکایت از متهم ردیف سوم‌ستار حقیقی اظهار داشت :

من در حزب منحله بشدت شکنجه و با سرنیزه موردضرب و جرح قرار گرفته‌ام و حتی تهدید به مرگ نیز شده‌ام و آنروز در حزب خلق مسلمان می‌گفتند ، کترسید ایرانی از عزالدین حسینی کمک خواسته است اگر مقاومت کنید بزودی خواهند رسید . ستار حقیقی متهم ردیف سوم در دفاع از خود گفت: درروزیکه موسسین حزب‌خلق مسلمان‌استعفا داده‌اند من نیز استعفا داده‌ام و از آن بعد رابطه‌ای با حزب مذکور نداشتم و هنگام عزیمت بمکه یکماه و نیم دور از حزب بودم و بنده اصلا به رهبر انقلاب توهین نکرده‌ام .

درمورد گفته ایشان شاهدانی شهادت دادند که متهم را در حزب خلق مسلمان روز های آشوب دیده‌اند.

یکی از شاکیانی که توسط حزب خلق مسلمان زندانی شده بود در شکایت از متهمین‌ردیف اول وسوم گفت : آقای ایرانی بعد از اشغال کمیته خوداعلام داشته‌اند که اگر آنها شدت عمل بخرج بدهند ماهم‌گروگانها را اعدام می‌کنیم و آقای‌ستار حقیقی نیز مرا بجرم داشتن عکس و اعلامیه امام مـورد بازجوئی قرار داده و ضمنا که به رهبر انقلاب نیز توهین نموده‌اند .

متهم پاسخ داد : از ایـن جریان بی‌اطلاع هستم .

رئیس دادگاه شکایتنامـه یکی از اساتید دانشگاه را از متهم ردیف سوم مبنی برعامـل اصلی بودن وی در حـوادث خلق مسلمان و توهین و فحش دادن بهآیت‌الله قاضی راقرائت کرد . یکی‌از شاکیان گفت : شما در بازجوئی‌هایتان ازشیوه های ساواك منجمله از آتش سیگار برای شکنجه و انداختن نور بیش‌از حد نورافکن‌ها به چشمهای دستگیرشدگـان مورد استفاده قرار میداد .

متهم در جواب اظهارداشت: مجازات من مسئله مهمی نیست ولی تهمت نزنید ، مـن در روزهای شلوغ تبریز همسرم در بیمارستان‌آریا وضع حمل‌کرده بود اکثر اوقـات آنجا بودم ودرمورد مصاحبه باخبرنگاران خارجی باید بگویم که آقـای منتظر حقیقی مصاحبه‌کرده‌اند نه من .

آنگاه رئیس دادگاه ازمتهم ردیف اول محمد رضا ایرانی پرسید که مگر پاسداران در چهارراه آبرسانی تبریزبسوی مردم تیراندازی نمی‌کردند .

متهم جواب داد : من دوروز تاسوعا بپاسدارانم گفتم کـه اگر ازاین بعد با حزب خلق مسلمان همکاری نمائید مسئول ومجرم خودتان هستید و من اصلا افراد مسلح به چهارراه آبرسانی اعزام نکرده‌ام .

در خاتمه رئیس دادگاه از هرسه نفر متهم خـواست کـه آخرین دفاعیات خود را بازگو نمایند ،

متهم ردیف اول در اخرین دفاعیات خـود اظهار داشت : همانطوریکه عرض‌کردم من در روز اربعین مسلح نفرستاده‌ام و از تصرف فرودگاه واستانداری بی‌اطلاع بوده وبا حزب خلق مسلمان رابطه‌ای ندارم و در مورد پاسداری از اداره رادیو تلویزیون منظورم فقط محافظت از بیت‌المال بوده‌است ،

سپس متهم ردیف دوم : رستمخانی در آخرین دفاعیه خود اظهار داشت : من‌نه‌تنها برعلیه جمهوری اسلامی اقدام نکرده‌ام بلکه از رهبر و از جمهوری اسلامـی پشتیبانی نموده‌ام کـه در روزنامه‌ها و خبرگزاری پارس نیز منعکس گردیده است . در مورد ایراد ضرب و جرح من قبول نمیکنم و آنچه‌ای که در موردتوهین بهرهبر انقلاب خواندید مال من نبوده و نیست .

متهم ردیف سوم درآخرین دفاعیه خود گفت : من‌برخلاف نوشته‌های کیفرخواست علیه جمهوری اسلامی اقدام نکرده بلکه این حکومت ، حکومت ایده‌آلی برای من بوده وهست وبخاطر رسیدن به آن زحمات زیادی متحمل شده‌ام در بدو تاسیس حزب خلق مسلمان مسئولیت گروه امداد این‌حزب را عهده‌دار بودم و بعد از استعفای جمعی از موسسین این حزب منهم استعفا داده‌ام ودر تصرف‌ساختمان رادیو تلویزیون تبریز در آرام نمودن مردم و برگرداندن آنها بطرف شهر سرپرست وقت اداره مذکور را یاری میکردم و خدارا شاهد میگیرم منظورم از این کارها خدمت به‌جمهوری اسلامی و دینم بوده است .

در خاتمه رئیس دادگاه بعد از اشاره بتوطئه‌های امریکـا گفت : ملت ایران بفرموده امام توطئه‌های امریکا را با چنگ ودندان ازبین می‌برند .

اشغال رادیو تلویزیون تبریز بدستور آیت‌الله شربیانی نبوده است

تبریز ــ دیروز حضرت آیت‌الله عبدالمجید شربیانی بـا انتشار اطلاعیه‌ای این قسمت از سخنان محمد رضا ایرانی را که در دادگاه انقلاب اسلامی تبریز در دفاع از خود گفته بود که اشغال رادیـو تلویزیون مرکز تبریز و ساختمان استانداری آذربایجان‌شرقی بدستور حضرت آیت‌الله شربیانی بوده است تکذیب کرد .

وی در این‌باره گفت: محمد رضا ایرانی پس از اشغال رادیـو تلویزیون و استانداری تلفنی به این جانب خبر داد و من گفتم که حفاظت از دستگاهها و ساختمانهای دولتی باید برعهده مامورین‌انتظامی سپرده شود .

۵ خرابکار در خوزستان تیرباران شدند

آبادان ــ ۵ تن از عوامل خرابکاریهـای خـوزستان و جاسوسی علیه جمهوری اسلامی ایران سحرگاه دیروز بحکم دادگاه انقلاب آبـادان و خرمشهر تیرباران شدند. حکم صادره از سوی دادگاه انقلاب باین شرح است:

ــ احمد بقالانی فرزنـد عیسی بجرم تردد غیر مجاز به کشور مزدور عراق‌واعتراف وی و نیز همراه داشتن‌اسلحه و مهمات از قبیل مین ضدتانك و مـواد منفجره و تعلیم خرابکاری ، مفسد فی‌الارض شناخته شد.

ــ حلیم عرفی فـرزنـد محمد سعید بجرم ترددغیرمجاز به کشور مزدور عراق‌واعتراف بهمکاری بـه‌آوردن اسلحه و مواد منفجره مفسد فی‌الارض شناخته شد.

ــ عبدالحسین بحرانـی فرزند محمود بجرم شرکت‌در عملیات تخریبی منطقه ورابطه بابیگانه برای مبارزه‌باحکومت اسلامی باعدام محکوم شد.

ــ شاکر عنانی فرزندبدران بجرم شرکت در خرابکاری و رابطه بـا بیگانه بـاعـدام محکوم شد.

ــ هاشم هاشمی فرزنـد سلمان بجـرم شرکت در خرابکاری و جاسوسی ومبارزه با حکومت اسلامی دشمن‌اسلام و مسلمین شناخته شد و باعدام محکوم شد.

دادگاه انقلاب اسلامی‌آبادان همچنین با صدور اطلاعیه‌ای بهاینگونه افراد اخطار کـرده چنانچه دستگیر شوند بـه شدیدترین وجهـی مجـازات خواهند شد .

گروهی یک‌ساختمان ۵۴ اطاقه را اشغال کردند

عده‌ای از مردم جنوب‌شهر یک ساختمان ۵ طبقه ۵۴اطاقه را در خیابان دکتر شریعتی پشت سینما پاسفیك تهران، به اشغال خود درآوردند .

یکـی از مسئولان کمیته منطقه ۷ تهران در رابطه با این اشغال به خبرنگار سرویس شهری تهران گفت : ایـن ساختمان بـه شریك تعلق‌دارد که یکی از این شریکها در ایران است و بقیه بخـارج فرار کرده‌اند . ما به مهندسی که این ساختمان با شـرکت او ساخته می‌شود، پیشنهادکرده بودیم که ساختمان را بانرخ عادلانه با نظر ما به اجـاره واگذارد ، ولی وی این کار را نکرد . هنوز ما برای‌بیرون کردن این افراد که زیاد هـم فقیر نیستند ، اقدامی نکرده‌ایم و مشغول تحقیق هستیم .

گفت‌وگوی اختصاصی کیهان با فرمانده نیروی زمینی :

فلاحی: اعضای انجمن‌های اسلامی برای جنگ به‌پاوه نمی‌روند

* تیمسار فلاحی : تصفیه در ارتش هنوز تمام نشده است

* در پادگان سنندج خیانت به شکلی که گفته‌میشود وجودندارد

* وضع طوری‌است‌که نمیشود حرکت یگانی را مخفی نگهداشت

سرتیپ فلاحی فرمانده نیروی زمینی در گفتگوئی با خبرنگار سیاسی کیهان ضمن اشاره به حوادث کردستان خاطرنشان کرد که تصفیه در سطوح مختلف ارتش هنوز تمام نشده است .

وی در مورد دستور اخیر خود مبنی‌بر حرکت اعضای انجمن اسلامی نیروی زمینی به سوی بانه گفت : این افراد تنها برای تقویت روحیه سربازان و نیز تبلیغ به بانه‌میروند و به هیچوجه هدف از اعزام آنان به کردستان جنگ بـا ضدانقلاب نیست .

قسمت اول مصاحبه خبرنگار کیهان با سرتیپ فلاحی را میخوانید :

ــ تیمسار دستور اخیر شما به انجمن های اسلامی مبنی‌بر اینکه آماده باشند تا با سلاح سبک تجهیز شده و به بانه بروند این شبهه را پیش می‌آورد که نکند خدای ناکرده میخواهند انجمن های اسلامی را که بقول خود شما از نظر صلاحیت و فداکاری و ایمان مورد تائید هستند ، از بین ببرند تـا زمینه برای افرادی ضد انقلاب که هنوز در ارتش تصفیه نشده‌اند ، فراهم شود و اگر آمریکا خواست عملیات نظامی علیه ایران انجام دهد مانعی برایش نباشد . لطفا علت صدور چنین دستوری را توضیح دهید .

فلاحی ــ در مورد انجمنهای اسلامی باید بگویم که این انجمن‌ها پس از تشکیل و مدتی فعالیت در ارتش تجزیه شدند و بدنبال آن یک سازمان سیاسی ــ ایدئولوژی در ارتش تشکیل شد که مورد تائید امام هم هست . این‌سازمان مکلف‌است که ارتش را مکتبی کند تعدادی از پرسنل منتخب ایـن انجمن‌ها پس از تجزیه ، به سازمان ایدئولوژی سیاسی و یک سازمان دیگری که در اختیار من هم نیست ، جذب شدند که حجت‌الاسلام ستائی رئیس آن است . نحوه ارتباطشان هم با ما این است که آنها برنامه میدهند من به واحدهایم ابلاغ میکنم که برنامه‌های آنها را اجرا کنند . مثلا می‌گویند دو ساعت درس قرآن بگذار منهم به واحد میگویم دو ساعت درس قرآن را در برنامه خودتان بگذارید . آن سازمان سیاسی ایدئولوژیک مورد اعتقاد من است و قبول دارم وکمک زیادی هم به آنها می‌کنم . یک انجمن اسلامی دیگری هست که آقای سرهنگ دیزجی دبیرکل آن است یک تعدادی بعد ازظهرها خارج از خدمت بکار ارشاد و تبلیغ پرداختند اینها مزاحم هیچکس هم نیستند صبح تا ۲ بعدازظهر کار خدمتی‌شان را انجام میدهند .

ــ آیا اینها واحد رزمی هستند ؟

فلاحی ــ هرکدام توی یک واحد هستند وظیفـه خدمتی خودشان را انجام میدهند . بعدازظهرها دور هـم جمع میشوند و یکدیگر را ارشاد می‌کنند و مطالبی یادداشت می‌نویسند و بین دیگران توزیع می‌کنند آنها هم مورد اعتقاد من هستند . اما از بقایای انجمن‌های اسلامی اولیه هستند .

ــ منظورتان کدام انجمن‌های اسلامی اولیه است ؟

ــ کسانی که بعد از پیروزی انقلاب انجمن اسلامـی تشکیل دادند همانطور که گفتم این انجمن سه قسمت شد یک عده بخش سیاسی ــ ایدئولوژی را تشکیل دادند ، یک قسمت هم همین انجمن دیزجی بود ، یک قسمت دیگر را بخش سیاسی ایدئولوژیك نپذیرفت .

ــ علتش چه بود ؟

فلاحی ــ به علل مختلف ، این گروه در یک حالت تعلیق خدمتی هستند نه واقعا عضو سازمان سیاسی ایدئولوژیك هستند که خدمتی انجام بدهند و نه عملا میروند سرکارسازمانی خودشان که کار کنند . این وسط می‌چرخند و این گـروه تعدادشان هم خیلی زیاد است به صرف اینکه بعد از پیروزی پادگانها را نگه داشتند و زحمتی کشیده‌اند ایجاد حقی شده است برای اینها و حاضر نیستند برگردند سرمشاغل اصلی خودشان و ظاهرا میگویند ما کارمان را انجام میدهیم و ارشاد هم می‌کنیم . این گروه در ارتش زیاد هستند . وچون سوابق و تجربه‌ای دارند مدتی در انجمن اسلامی کار کردند و در زمینه ارشاد و تربیت یک چیزهایی میدانند ، آمدیم ابلاغ کردیم که این آقایان «آماده باشند» . آماده‌باشند ، تـا «حرکت کنند» خیلی فرق دارد . آماده باشند ، یعنی اسامی آنها را بنویسید حاضرشان کنید ، جنگ‌افزار سبک‌پیش‌بینی کنید برای اینکه ما میخواهیم اینها را حرکت بدهیم بطرف بانه. حالا علت اینکه آمدیم دست روی اینها گذاشتیم چـی بود . اولا اینکه یک کاری انجام بدهند . دوم اینکه اگـر خدای ناکرده یک روزی پادگانی سقوط کند اولین مدعیـان ما همین گروه خواهند بود و خواهند گفت که ما اینجـا بودیم و شوق شهادت داشتیم و چرا ما را به‌پادگان بانـه یـا هر پادگان دیگری که در آستانه سقوط بود ، نفرستادید ؟ پس اگر یک گرفتاری پیش بیاد و اینها بگویند چرا از ما دعوت نکردید تا برویم به برادرانمان کمک کنیم ما جوابی برای آنان نداریم . بهمین دلیل امروز دعوت کردیم و گفتیـم برادر بلند شو و برو بانه که پادگانش در آستانه سقوط است تا فردا جای گله‌گزاری نباشد . هدف ما از فرستادن آنها به بانه این است که بتوانند روحیه سربازان ما را که اکنون خیلی ضعیف است ، تقویت کنند .

و اما در مورد اینکه گفتید اگر هدف تبلیغ است چرا یک روحانی را دعوت نکرده‌اید باید بگویم که سربازان در بانه چهار یا پنج ماه است که در داخل یک گودال هستند اینها از داخل مواضع خودشان نمیتوانند بیرون بیایند . پادگان بانه یک پادگان کوچکی است که در اطراف آن مواضعی تعبیه شده است و اینها سه‌چهار ماه است که در داخل این مواضع هستند و همانجا می‌خوابند ، همانجا غذا میخورند، همانجا زخم‌بندی می‌کنند و شبها بشدت و آنهم در تاریکی اواخر شب از سنگرها بیرون می‌آیند و جیره‌شان را می‌گیرند و دوباره برمی‌گردند توی سنگر . در تمام روز بیرون نمی‌آیند. به دلیل اینکه پادگان بانه در یک زمین صاف است و ارتفاعات مشرف به این پادگان دست مهاجمان است اگر بیایند بیرون آنها را میزنند . خوب سالنی هم نداریم که همه آنها را جمع کنیم برای‌سخنرانی در آنجا جمع کنیم از نظر امنیتی هم اینکار صلاح نیست زیرا اگر یک خمپاره بیاید ۶۰۰ یـا ۷۰۰ نفر را میکشد در نتیجه گفتیم تعداد بیشتری بیایند تا هرکدام از آنها را بفرستیم داخل یک سنگر (تعداد سنگرها در اطراف پادگان ۶۴۰ است) و بروند پهلوی سرباز یک ۲۴ ساعت بنشینند با او غذا بخورند با او زندگی کنندوبه او تفهیم کنند کاری که تو می‌کنی اولا دفاع است تو مهاجـم نیستی تو داخل سنگر هستی و کاری که تو می‌کنی در راه خدا است و به او روحیه بدهند با این کار در مصرف غذا و مهمات به تعداد زیادی صرفه‌جوئی می‌شود .

ــ علت اینکه گفتید این افراد جنگ‌افزار سبک بـا خودشان داشته باشند ، چیست ؟

فلاحی : ــ در ارتش مشاغل مختلفی وجود دارد بعنوان مثال یک راننده که کارش فقط رانندگی است، ولی درجدول سازمانی نوشته شده فلانی راننده مجهز به ۳ج شده سرتیپ فلاحی فرمانده نیروی زمینی که میروم در عملیات در جدول سازمانی نوشته شده فرمانده نیروی زمینی اسلحه کمری کلت ولی با این کلت که نمیشود با گروه کثیری جنگید. این کلت فقط برای حفاظت شخصی من است ، حتی آشپز اگـر مأموریت برود یک جنگ‌افزار سازمانی کوچک در جـدول سازمانی نوشته شده است که آشپز باخودش باید ببرد برای دفاع از خودش ، هر نظامی در عملیات یک جنگ‌افزار دارد. اگر گفتیم جنگ‌افزار سبک ببرید برای حفاظت خود شخص است نه اینکه آنها با این جنگ‌افزار باید با ضدانقـلاب بجنگند . اینها برای جنگ نمی‌روند ، من آنها را با هواپیما از اینجا می‌بردم سنندج یا میبردم مراغه ، از آنجا بـا هلی‌کوپتر می‌بردم بانه و داخل پادگان بانه پیاده میکردم. و از پیش به آنها می‌گفتیم که وقتی پیاده شدی با سرعت باید بروی داخل فلان سنگر .

ــ آیا بهتر نبود بجای اینکه این افراد بروند،در آنجا و نه سربازی که از چهار ماه پیش داخل سنگر است روحیه شده ، خود آن سربازها را تعویض می‌کردید و نیروهای تازه‌نفس‌تری که حتی داوطلب هستند ، به آنجا اعزام کنید ؟

ــ واحد فعلی از حدوده چهار ماه پیش دربانه است. واحد جدیدی بردیم که جایش را با واحد قدیم عوض کند این واحد الان در سقز است . بیش از صد نفر را از این واحد برده‌ایم به داخل پادگان بانه ولی به علت شـدت تیراندازیها نتوانسته‌ایم بقیه واحد جدید را به پادگان منتقل کنیم . علتش این است که واحد جدید سلاح سنگین دارد خمپاره‌انداز دارد ، هلی‌کوپتر باید بیاید مدتی روی زمیـن بنشیند تا بتواند این خمپاره‌انداز های ۶۰ ــ ۷۰ کیلوئی را تخلیه کند و در این فاصله هلی‌کوپترها را می‌زنند . اما در موقع پیاده کردن یک کسی که یک تفنگ دارد ،هلیکوپتر می‌آید در دومتری زمین و آن شخص بالاخره سرباز است و این ورزیدگی را دارد که از یکمتری یا دو متری زمین تو موقعیکه هلی‌کوپتر هنوز ننشسته بپرد پائین ودربرودازجلوموضع هلی‌کوپتر هم بسرعت بلند شود تا گلوله نخورد . البته ممکن است در همین حرکت شهید هم بشود ولی احتمالش ۵۰ درصد است و پنجاه درصد دیگر ممکن است گلوله باو نخورد و برود داخل موضع .

ــ آیا اعزام این گروه به بانه تصمیم خود شما بود و یا با فرماندهان دیگری هم مشورت کرده بودید ؟

ــ تصمیم گیرنده در این زمینه خود من هستم ولی با ستاد مشترک هم مشورت کردم و نتیجه مشورت را هم باطـلاع سرلشگر شادمهر رساندیم گفتم تیمسار فقط اطلاع داشته باشید که من این تصمیم را گرفته‌ام و میخواهم انجام بدهم . چون از نظر اداری ایشان رئیس من هستند . ولی تصمیم را من گرفتم و دستور دادم آمار بدهند تا جمع کنند و بعد بگویند آنوقت تازه من دستور حرکت میدادم . یک وقت آمدیم و در مجموع میشدند ده نفر ! مسلم تصمیم نمی‌گرفتم که این ده نفر حرکت کنند ، ده نفر نمی‌خواهم ، ده نفر میرفتند توی ده‌تا سنگر . آن تعداد که مورد نیاز من است اگر تامین میشد تازه می‌گفتم آنها را بیاورید در لشکرک که من آنها را آزمایش کنم . یکبار آموزش رزم انفرادی آنها را ببینم ، ببینم که اصلا با تفنگ بلدهست تیراندازی کند . از هلی‌کوپتر بلدهست بپرد، بلدهست نصیحت‌کند، بلدهست روحیه سربازها را ببرد بالا و بعد می‌فرستادم . در ارتش اینجور نیست کـه همینطوری بفرستند . دستور فقط این بوده است که آمار بمن بدهید ، آماده باشند تا بعد دستور حرکت بدهیم ،

ــ خیلی متشکرم حالا من میخواستم سؤالاتم را درمورد مسائل دیگری مطرح‌کنم اول اینکه در مورد خلع سلاح‌شدگان نوسود اینطور شایع است افرادی در ارتش‌که طرفدار احزاب سیاسی کردستان هستند در موقع حرکت ستون ارتش به‌نوسود، اطلاعات دقیقی در مورد ساعت حرکت و مقدار جنگ‌افزارها، مسیر حرکت و حتی ساعت ورود ستون به نوسود ، به حزب دموکرات دادند و به همین دلیل ستون ارتش بمحض ورود به آنجا خلع سلاح شد. شما تاچه اندازه این مساله را تائید می‌کنید ؟

فلاحی : ــ قبل از اینکه به مساله نوسودبپردازیم نتیجه بگیریم ببینیم که آیا حزب دموکرات ، کومله ، پیکار و سازمان چریکهای فدایی خلق شاخه کردستان در ارتباطهستند یا نه اگر نتیجه‌گیری شودکه در ارتباط هستند ، میشود مربوط کرد به قضیه نوسود . این چهار گروه در سنندج در مقابل ارتش جنگیده‌اند . ستاد مشترک دارند. عملیاتشان هماهنگی شده است. آماری راکه برای کشته‌های خودشان میدهندمشترک است . مثلا می‌نویسند ۲۱ نفر از حزب دموکرات ۱۴ نفر از حزب کومله و ۶ نفر از چریکهای فدائی کشته شده‌اند. پس میرساندکه این آمارها یکجا جمع میشده است ، در سنندج آمارکشته‌های آنهارا میدهند در روزنامه پنج شش روزپیشهم هست ، براساس اعلامیه‌ای‌که در سنندج‌داده‌اند این چهارگروه باهم می‌جنگیدند پس دوارتباط باهم بودند حالا کی در صف اولی بوده و کی در صف آخر مساله دیگری است ولی در مورد دادن اطلاعات باید بگویم که در ارتش یکبار تصفیه‌کامل شده است ولی هنوز ادعای آنرا نداریم که این تصفیه تمام شده باشد ،

در زمینه افسران و درجه‌داران تصفیه‌کامل شده است‌اما در زمینه سربازکه نمیشود تصفیه‌کرد، سربازی را « جمهوری اسلامی ایران» یک فریضه اسلامی و ملی میداند ، یعنی هر فردی از هر قشری و از هرگروه سیاسی باید خدمت سربازی بکند ، پس دربین سربازان نیروی زمینی از گروههای مختلف وجود دارند. این یک واقعیت است ! ما وقتی یک واحدی حرکت می‌کند بالاخره قسمت اعظم پرسنل آن سرباز است. وقتی یک یگانی حرکت می‌کند سربازش‌هم حرکت می‌کند و بالاخره دفعتاکه نمیگویند گروهان برپا ! قدمرو ! بالاخره دوسه ساعت جلوتر میگویند کوله‌پشتی‌ات را بردار، جیره عملیاتی‌ات‌راهم بردار بار مبنای مهمات راهم بگیر، تفنگت راهم پاک کن و ... لااقل دوساعت آمادگی هست و ظرف این دوساعت اطلاعات ممکن‌است‌مبادله شودحتی ظرف نیم ساعت‌هم میتوان اینکار راکرد. این یکی . دوم اینکه واحدی‌که مثلا میخواهد از پاوه حرکت بکند برود به نوسود این واحد راکه نمیشود مخفی کرد ، تونل‌که نزده‌اند ! از داخل خیابان عبور می‌کند . و مردم این نقل و انتقالات را می‌بینند و به این ترتیب خبر منتشر میشود و تازه وضع طوری نیست‌که بشود حرکت یگانی‌را کاملا مخفی نگهداشت .

ــ چند روز پیش برخی از روزنامه‌ها مطالبی را در مورد اینکه حدود ۲۰ نفر از نظامیان که گفته میشود متهم به شرکت در مساله سقوط هلی‌کوپتر هستند در سنندج دستگیر شده‌اند . آیا توضیحی دراین مورددارید و آیا اطلاعات‌بیشتری میتوانید در اختیار ما بگذارید ؟

ج ــ بدنه هلی‌کوپتر به علت ترکیبات خاصش طوری است‌که با هرگلوله‌ای‌که میخورد سقوط نمی‌کند، ساختمان هلی‌کوپتر طوری است‌که اگر گلوله بخورد ، جای گلوله خود بخود جمع میشود و بازنمی‌ماند. و زیربدنه هلی‌کوپتر نیز به شکلی است‌که‌هر گلوله‌ای به هلی‌کوپتر آسیب نمی‌رساند. نمونه‌هایی داریم‌که هلی‌کوپتری ده تا پانزده گلوله خورده ولی رفته در پایگاهی نشسته است. هلی‌کوپتر هست‌که کمک خلبانش گلوله خورده و در فضا شهید شد ولی‌خلبان هلی‌کوپتر آنرا سالم به پایگاهش رساند . خلبان داریم‌که گلوله ازکتفش فرو رفته و از پشت‌گردنش بیرون آمده است ولی با زانوهایش فرامین‌را هدایت‌کرده و ضمن سوارکردن مجروحان هلی‌کوپتر را به مقصد رسانده است. کسی نیست‌که اطلاع بدهد کـه هلی‌کوپتر کی‌می‌آید. خود هلی‌کوپتر قبل‌از اینکه دیده شود صدای ملخش از کیلومترها دورتر شنیده میشودبخصوص درکوهستان ، یعنی شاید پنج دقیقه قبل از اینکه هلی‌کوپتر رویت بشودازصدایش تشخیص‌داده می‌شود که هلی‌کوپترمی‌آید. سمتش راهم میشود تشخیص داد ، پس احتیاجی ندارد‌که یکی بگوید از داخل پادگان‌که یک هلی‌کوپتر از فلان سمت و در فلان ارتفاع دارد می‌آید و دراینکه در داخل پادگان خیانت به آن شکلی‌که گفته میشود ، وجود ندارد. البته گاهی هـا به افرادی مشکوك میشویم . و وقتی مشکوك و یا مظنون‌شدیم به شخص مشکوك مرخصی میدهیم . خیلی محترمانه ، تـا موقعیکه دلائل کافی هم نداشته باشیم بازداشت نمی‌کنیم . مقام آدمی در اسلام محترم است. مرخصی میدهیم میگوئیم جنابعالی سه روز به مرخصی بروید و به‌گرفتاریهایتان‌بپردازید، یا اینکه میگوئیم مثلا شما سرشغل دیگری خدمت‌کنید.

ادامه دارد

مورد نیاز

شرکت سهامی آلومینیوم ایران‌تعداد زیادی چانل‌واشر و سیفون صنعتی ریخته‌گری برای مکش فلز مذاب نیاز دارد . از کلیه کارگاههائی که دارای تسهیلات و تجربـه‌ی لازم‌برای ریختن سیفونها و چانـل واشر میباشند دعوت میشود ازتاریخ‌نشر این آگهی حداکثر تا تاریخ دهم خردادماه ۱۳۵۹ برای دریافت نقشه ملاحظه قالب و نمونـه و کسب اطلاعات بیشتر بـه نشانی زیر مراجعه کنند .

اراك ــ کیلومتر ۶ جاده قم ــ اداره خرید ایرالکو شرکت سهامی آلومینیوم ایران پیشنهادات را بررسی و در رد یا قبول‌هریك ازپیشنهادات مجاز خواهدبود.

شرکت سهامی آلومینیوم ایران ــ اراك

کیهان بچه‌ها روز های ۵شنبه منتشر می‌شود

ویدئوسونی
SONY.
انواع نوارهای ضبط شده‌ویدئو ایرانی و خارجی
بتاماکس VHS ــ گراندیك
تهران- استریو ۲۰۰۰ خیابان میرداماد
میدان محسنی تلفن ۲۲۶۴۶۹
شیراز ــ فتوافسون ــ خیابان قصرالدشت تلفن ۳۳۱۸۶
تبریز ــ فروشگاه رهنما ــ خیابان حبوبه متحدین ــ پاساژ ضرغام تلفن ۵۰۵۰۶
اصفهان ــ نمایشگاه سونی خیابان چهارباغ تلفن ۳۳۲۷۰
زاهدان ــ صفاجوئی تلفن ۳۱۵۶
اردبیل ــ فروشگاه شاسیان سرچشمه تلفن ۳۱۸۰
از شهرستان نماینده پذیرفته میشود تلفن ۸۳۴۳۳۱

اطلاعیه شرکت ملی نورد و لوله اهواز

قابل توجه: خریداران و مصرف کنندگان‌محترم لوله‌های سیاه و گالوانیزه

شرکت ملی نورد و لوله اهواز ،اخیرامقداری از لوله های سیاه و گالوانیزه‌را که در جریان آزمایش معیوب واز حد استاندارد تولیدات این شرکت خـارج گردیده بود جزو ضایعات ومحصولات اسقاط شده از طریق مزایده بفـروش رسانده است .

بدینوسیله باطلاع خریداران و مصرف کنندگان محترم‌لوله‌های سیاه‌وگالوانیزه اینشرکت میرساند در موقع خرید دقت کافی مبذول فرمایند تا لوله هـای نامرغوب و اسقاط را بجای لوله هـای‌تحت‌استاندارد این‌شرکت بآنهانفروشند. مصرف کنندگان در صورت مشاهده هرگونه خرابی در لوله هائی که بنام این شرکت بآنها فروخته میشود مراتب را مستقیما با فروشنده مربوطه حل و فصل نمایند .

بدیهی است کلیه محصولات این شرکت‌در حد استاندارد مشخص وپس‌ازآزمایش های کافی و لازم و کنترل مرغوبیت به‌بازار عرضه میگردد و با اطمینان ازاین موضوع این شرکت هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت .